



مهمان ساکتِ خانه

● علی باباجانی
● تصویرگر: حدیثه قربان

کتاب با این که دوستی ساکت و آرام است، با تو حرف می‌زند. با این دوست به جواب خیلی از سؤال‌هایت می‌رسی. می‌توانی با کتاب بخندی و سرگرم شوی. می‌توانی چیزهای زیادی یاد بگیری. پس با این دوست آرام؛ یعنی کتاب بیش‌تر دوست باش.

به میوه‌ای که در دست داری، نگاه کن. فکر کن این میوه‌ی زیبای از کجا آمده. این میوه نتیجه‌ی زحمت کشاورزی است که به درخت، آب و کود داده؛ روزها و شب‌ها مراقبت کرده تا به دست تو برسد. به غذایی که سر سفره است نگاه کن. بویش خانه را پر کرده. این غذا نتیجه‌ی زحمت مادر یا پدر یا یک آشپز است.

به خانه‌ای که در آن هستی فکر کن. این خانه نتیجه‌ی تلاش خیلی از آدم‌هاست. کارگر، بنا، نجار، آهنگر، لوله‌کش، برق‌کار و غیره برای ساخت آن زحمت کشیده‌اند.

به همه چیز می‌توان این‌طوری نگاه کرد. حالا بگو ما چرا این میوه‌ها و غذاها را می‌خوریم؟ برای این که بدن ما به آن‌ها نیاز دارد. اگر نخوریم، انرژی نداریم و بیمار می‌شویم. فکر ما هم به غذا نیاز دارد و با کتاب سیر می‌شود. تو هم حتماً کتاب‌های زیادی خوانده‌ای. کتاب شعر، قصه، خاطره و...

این کتاب‌ها نتیجه‌ی زحمت یک یا چند نویسنده و شاعر است. هیچ می‌دانی آن‌ها چه قدر کتاب خوانده‌اند و فکر کرده‌اند تا یک مطلب زیبا و مناسب برای تو بنویسند؟

وقتی کتابی را در دست می‌گیری، مثل این است که نویسنده‌ای را به خانه‌ات دعوت می‌کنی.

